

مامتأسفانه‌در جامعه

همه چیز را خراب کردیم



سپید: کدام محله تهران زندگی می‌کردید؟

منطقه شاپور

سپید: یعنی در یک مدرسه معمولی درس خواندید؟

بله

سپید: شغل پدرتان چه بود؟

کارمند وزارت نیرو

سپید: پدرتان آرزو داشتند شما پزشک شوید؟

نه آرزو نداشت اما می‌خواست که تحصیل کنم ولی خیلی خوشحال شدم که من در کنکور پزشکی قبول شدم.

سپید: بچه درسخوانی بودید؟

نه خیلی درسخوان نبودم. در حد متوسط

سپید: کودک شیطان و بازگوشی بودید؟

نه

سپید: پس بدون اینکه تحت فشار باشید درسخوان بودید؟

بله ببینید قدیم که مثل الان نبود که بچه‌ها تحت فشار خانواده‌ها درس بخوانند.

سپید: بچه متوسطی که بدون فشار دانشگاه تهران قبول شد، پس گிரانتان بالا بود؟

من ۲سال آخر خیلی درس خواندم ولی سال‌های قبل نه

سپید: دوران دانشجویی شاگرد اول بودید؟

نه مطلقاً.جزو شاگردان متوسط بودم

سپید: ضریب هوشی تان بالاست؟

نه فکر نمی‌کنم.شاید متوسط باشد

سپید: خودتان فکر می‌کنید چی شد که شدید دکتر ماندگار؟

من هم مثل همه پزشکان دیگر. من از هیچ پزشکی خودم را بالاتر و بهتر نمی‌دانم.

سپید: ولی کاری کردید که بهترین شدید؟

نه من فکر نمی‌کنم.شاید اتفاقی و شانسی بوده.به نظر من اینها اصلاً مهم نیست.مهم نیست که چه کاری را شروع کردیم.ما نباید این موضوعات را آنقدر برجسته کنیم و به سمبل تبدیل کنیم.

سپید: پس خیلی پشتکار داشتید؟

بله. بدون پشتکار که نمی‌شود

سپید: فرزندانتان را تشویق کردید که پزشک شوند؟

نه اصلاً.من دو فرزند دارم. نه تنها بچه‌های من بلکه همه بچه‌ها باید راه را خودشان پیدا کنند.

سپید: فرزندانتان چه رشته‌ای خواندند؟

پسر من در کارهای تحقیقاتی ژنتیک است.دکترای ژنتیک دارد والیته آمریکاست و امیدوارم امکانات فراهم شود تا او هم بتواند کارهای تحقیقاتش را اینجا انجام دهد.دخترم در رشته هنر فعالیت می‌کند و طراح است او هم ایران نیست و مشغول بچه‌داری است.

سپید: همسرتان پزشک هستند؟

نه خیر.ایشان مهندس کامپیوتر هستند.

سپید: اصراری نداشتید همسرتان پزشک باشند؟چون خیلی از پزشکان ترجیح می‌دهند

همسرشان پزشک باشند

نه همین که همسر خوبی باشند کافی‌ست.

سپید: تأثیر گذارترین فرد زندگی تان چه کسی بود؟

ببینید ما باید در جامعه‌مان الگوسازی کنیم.الگو، افسانه‌ها و.. باید برای هر کاری الگو داشته باشیم.مثلاً من برای اینکه بخوام فوتبالیست بشوم باید جا پای چه کسی بگذارم.علی دایی، کریم باقری و.. همیشه در زندگی من الگوهای من استادانم بودند.بزرگانی چون استاد فاضل استاد مسلم من بودند، استاد عطری،استاد مصطفی هاشمی، مرحوم استاد مبرهن اینها الگوهای جلوی چشمم بودند و بعد الگوهایی در امریکا و انگلیس بودند که می‌خواستم مثل آنها باشم. ما باید الگوسازی کنیم برای فرزندانمان که بشوند انظمای‌ها یا کیارستمی‌ها.همان طور که ما در دنیمان الگویی مثل حضرت علی داریم ، باید در جامعه آدم‌های واقعی را الگو کنیم نه افرادی که به واسطه داشتن مدیا و رسانه و کلاشی در معرض دید هستند.

سپید: ما هم در روزنامه سید به دنبال این هستیم

بله این کار شما بارزش است.الآن ما الگوهای قشنگ جامعه‌مان را از دست‌داده‌ایم.ما متأسفانه همه چیز را خراب کردیم....

سپید: چه سالی در دانشگاه قبول شدید؟

۱۳۵۱

سپید: رتبه کنکورتان را به یاد دارید؟کنکور زمان شما هم رتبه داشت؟

بله داشت، ولی حقیقت‌اش من این قدر خوشحال شده بودم که قبول شدم ، نرفتم ببینم رتبه‌ام چنداست، فقط فهمیدم قبول شدم !

سپید: چرا پزشکی را برای تحصیل دانشگاهی انتخاب کردید؟

آن موقع پزشکی رؤیا و آمال همه جوان‌ها بود و دانش آموزان رشته طبیعی برای ادامه تحصیل معمولاًاین رشته را انتخاب می‌کردند.رشته ریاضی‌ها مهندسی می‌خواستند‌اما در رشته طبیعی خیلی محدودتر بود ، پزشکی ، داروسازی، دندان پزشکی و دام‌پزشکی چهار رشته ممکن برای ادامه تحصیل بودند.

طبعاً پزشکی انتخاب اول اکثریت بود.

سپید: چرا تخصص جراحی را انتخاب کردید؟ چرا فوق تخصص جراحی قلب؟

من فکر می‌کنم این موارد خیلی‌اش شانسی بود.یعنی اتفاق بود.من هیچ شناختی از جراحی قلب نداشتم ولی خب در تمام دوران تحصیل به قلب خیلی علاقه داشتم و با دوستانم خیلی به بخش‌های قلب در بیمارستان‌ها سر می‌زدیم.و اغلب بعد از ظهر رادر بخش قلب سپری می‌کردیم.

سپید: تمام مقاطع تحصیل دانشگاهی در دانشگاه تهران صورت گرفت؟

بله ، پزشکی عمومی ، تخصص جراحی و فوق تخصص جراحی قلب را در دانشگاه تهران خواندم.■

من نمی‌دانم منظورتان از این تعریف چیست ولی من الان یک پرو ۲۰۶ دارم در صورتی که می‌توانستم پورشه سوار شوم ولی با این ماشین راحت‌ترم و این یک روال طبیعی است که همه دوست دارند درس بخوانند و پیشرفت کنند تا زندگی مرفه‌تری داشته باشند

سپید: میانگین مطالعه‌تان در روز در دوران دانشگاه چقدر بود؟

عمده وقت‌مان را در دانشگاه معمولاً به جز زمان کلاس‌های درس در کتابخانه سپری می‌کردیم.

ولی خب سال‌های آخر پزشکی به طبع این زمان بیشتر شد.

سپید: بهترین خاطره دانشگاهی تان چی بود؟

تا حالا به این موضوع فکر نکردم ، شاید آخرین روز دانشگاه ، روز فارغ‌التحصیلی‌مان که کارت نظام پزشکی را به ما دادند شاید یکی از بهترین روزهای دانشگاه بود.چون آنجا به شخصیتی پیدا کردیم که برای همه ما خیلی جالب بود.همه دوستان جمع شده بودیم و با هم ناهار خوردیم و جشنی گرفتیم. آن روز واقعاً خیلی خاطره خوبی بود.■

مملکت باعث شد اعتمادی را که طی سالیان به سیستم درمان وجود

داشت از بین برود.سیستمی که سال‌های سال بود کار خودش را انجام می‌داد.مملکتی که با وسعت یک میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع و با جمعیت حدود ۸۰ میلیون نفر که گوشه و کنار آن ۲هزار متر طول پرواز دارد ، مملکتی با این وسعت چه قدر نیاز به خدمات درمان دارد؟ مشخص است که اگر مملکتی با این وسعت را زیر ذره‌بین ببرید هر کجا باشد (در مقایسه با کشورهای دیگر و از نظر وسعت بسیار متفاوت است اما از لحاظ جمعیت تقریباً یکسان هستیم) قطعاً نواقصی پیدا می‌شود.

سپید: یعنی شما معتقد هستید که وسعت یک کشور بر کیفیت درمان اثر می‌گذارد؟

بله شما باید بتوانید این سیستم درمانی را به اقصی نقاط کشور برسانید. شما چه طور می‌توانید به روستاها برسید؟ با همان کیفیت که در تهران به دست مردم می‌رسد؟

سپید: شما به اخلاق پزشکی در جامعه پزشکی چه نمره‌ای می‌دهید؟ نمره خوبی می‌دهم. من نمی‌توانم بگویم کاستی و قصور پزشکی وجود ندارد.من نمی‌توانم بگویم خطای پزشکی و به عمد داریم .

سپید: شما این خطاها را تا چه حد طبیعی می‌دانید؟

همه جای دنیا خطا وجود دارد.تصادف رانندگی در همه جا هست اما در ایران بیش از هر جای دیگری اتفاق می‌افتد پس اینجا مشکل وجود دارد و باید این را زیر سؤال ببریم و برطرف کنیم. اما الان بیش از حد معمول خطاهای پزشکی را زیر سؤال می‌بریم و بزرگ می‌کنیم.

سپید: شما علت را در چه می‌بینید؟

من فکر می‌کنم سیاست غلط مسئولین است که این راه را پیش گرفتند و در کنار طرح تحول سلامت پیش آمد.

سپید: زیرمیزی می‌گیرید؟

ما زیر میزی نمی‌گیریم.اولاً که زیرمیزی به گفته خود مسئولین وزارت بهداشت زایدیه عدم توجه به اصلاح تعرفه‌ها برای سالیان سال بود.من سال ۱۳۶۹ وقتی از انگلیس و امریکا برگشتم تعرفه درمانی تا همین چند وقت پیش همان بود.شما ببینید از آن سال تا کنون تعرفه تمام خدمات و مشاغل تغییر کرده است؛ مثلاً تعرفه سلمانی یا یک پرس چلوکباب چقدر بیشتر شده است . این مشکل ناشی از برخورد غلط مسئولین قبلی بود که درمان مردم را به امان خدا رها کرده بودند.این تقصیر همه سیستم درمانی بود.تقصیر شخص خاصی نبود

سپید: شما تأیید می‌کنید یک پزشک خارج از تعرفه مبلغی بگیرد،به دلیل اینکه زندگی‌اش تأمین نمی‌شود؟

ببینید قیمت هر سرویس که از جامعه می‌گیرید طی این سال‌ها چندین برابر افزایش پیدا کرده؟ چه طور توقع دارید که یک پزشک با همان تعرفه قبل خدمات ارائه بدهد؟ چرخه معیوبی بود که به آن اجازه رشد دادیم. این چرخه معیوب فقط دامنگیر حوزه پزشکی شده است و جو روانی که در پی آن علیه پزشکان به وجود آمده است.البته این اعتمادی و حرمتی است که از بین رفته است. مگر دین ما تاکید نکرده است که حرمت و احترام افراد را نگه دارید؟ غیر از این است که پزشک خدماتی را برای سلامتی ما ارائه می‌دهد؟ مگر همین پزشک‌ها نبودند که در خط مقدم جبهه‌ها داوطلبانه رفتند و خدمت کردند و حتی از جانشان هم گذشتند و سال‌های سال خدمت کردند.. به هر حال در همه صنوف اعم از قاضی، پرستار، فروشنده، سیاستمدارو...کسانی هستند که پایشان را از خطوط تعیین شده فراتر می‌گذارند و احتمال خطا وجود دارد، ما نمی‌توانیم منکر خطا بشویم اما در کل جامعه پزشکی همگام و همسو با جامعه بوده است.

سپید: آیا فکرنمی‌کنید همکارانتان توقعات مالی زیادی از شغلشان دارند و همین باعث پر رنگ تر شدن بحث زیرمیزی می‌شود.چرا که آنها می‌خواهند ماشین مدل بالا و منزل آنچنانی داشته باشند؟ در همه دنیا مردم تحصیل می‌کنند در هر رشته‌ای کامپیوتر، صنعت، ساختمان‌سازی و... همه اینها می‌روند برای اینکه زندگی راحت‌تر و مرفه‌تری داشته باشند.

سپید: اما یک مهندس کامپیوتر قسم نمی‌خورد اما پزشک قسم می‌خورد.

سوگند می‌خورد که کارش را درست انجام دهد، سوگند نمی‌خورد که مجانی کار کند

سپید: اگر پول و مادیات پر رنگ تر شود چه می‌شود؟ دکتر پیدا حرف

پزشکی تربیت کنیم که نتوانیم به او آموزش کافی بدهیم. آیا امکانات و تجهیزات تشخیصی من درست و کامل است که بتوانم تشخیص درست بدهم؟ پس قصور فقط به گردن پزشک و پیراپزشک و... نیست.

سپید: پس به نظر شما چه کسی مقصر است؟

مسولیت حجم زیاد بیمار بر گردن پزشک است. خوب پزشک چه کار باید بکند؟ وقتی پزشک استراحت کافی نداشته باشد، پزشک از صبح تا شب جراحی کند ممکن است یکی از این اعمال اشتباه شود.نه اینکه قصور کرده باشد بلکه سهواً اشتباه پیش می‌آید.اگر قرار باشد من صد مریض ببینم چه کار باید بکنم ؟خب ممکن است یک تعدادی رو هم سریع ببینم.

سپید: پس شما در مجموع مدافع جامعه پزشکی هستید؟

صدا در صد. من می‌دانم که بالاخره پزشکان مانند تمام اقشار جامعه نقاط ضعفی دارند اما نکات مثبتشان بیشتر است.

سپید: درست است که می‌گویند شما ثروتمندترین پزشک ایران هستید؟

ام دهند، نه مجانی



این عمل در کل برای ما به عنوان جراح مجانی است و به همین دلیل در دانشگاه انجام می‌شود وسال‌هاست که تیم ما به عنوان شروع کننده پیوند، هیچ وجهی از دانشگاه و از هیئت امانا حتی در زمانی که حمایت کننده بودند، دریافت نکرده. بعداً دولت برای اینکه تشویق کند همه تیم درمانی برای اینکه این عمل ساعت مشخصی نژارد شب، روز،عید و ... شما نمی‌توانید بگویید کی و چرا عضو آماده است دهنده آماده است (تعرفه‌ای را گذاشتند مثل پیوند کبد، کلیه و ...

سپید: می‌توانم پرسیم الان این تعرفه چه مقدار است ؟

الان اگر اشتباه نکنم برای کل تیم پیوند حدود ۵۰۰ k جراحی است در دانشگاه حدود ۲۰ میلیون تومان که حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ کی آن به جراح می‌رسد که به اندازه یک عمل جراحی ساده قلب است.

سپید: آیا طرح تحول سلامت کمکی به روند بهداشت کشور کرده است ؟ در کل با این طرح موافق هستید؟

بله. البته این طرح انتقادهای زیادی دارد.اما من معتقدم این طرح به بیمارانی که دسترسی به خدمات درمانی‌ای که پیچیده و گرانیقیمت بود نداشتند، کمک زیادی کرده است.البته بار بسیاری بر دوش دولت و بیمه‌ها گذاشته است.به هر حال هر طرحی خوبی و بدی‌هایی دارد ولی به بیماران صددرصد کمک کرده است ولی در کنار این طرح که من موافقم طرح کاملاً خوبی بود، روش برخورد با سیستم درمانی یعنی پزشک ، پرستار به عنوان یک خلاق‌فکار برخورد شد و باعث شد که اعتماد مردم به کل به سیستم درمانی از بین رفت.

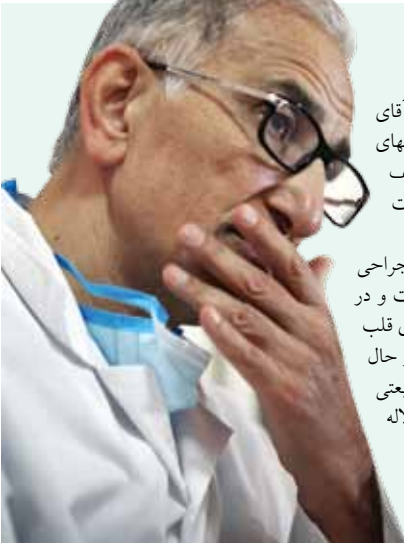
سپید: یعنی این طرح باعث این بی اعتمادی شد؟

نه این طرح، بلکه رفتاری که در کنار این طرح شکل گرفت.متأسفانه برخورد ورتزخانه و افراد و مسئولین در این رابطه با سیستم درمانی

روستایی به نام مجید بالغ تیل به نام خود به ثبت رسانید از آن تاریخ تاکنون متجاوز از ۱۱۰ مورد پیوند قلب درایران توسط تیم جراحی پیوند قلب ایشان انجام شده است.

شایان ذکر است که اجزای پیوند قلب در ایران قبل از اولین تجربه موفق آن توسط اساتیدی همچون دکتر عباسعلی دانشور از دانشگاه پزشکی تبریز و دکتر سنجریان از دانشگاه شیراز مورد تجربه قرار گرفته بود. افتتاح اولین پیوند قلب موفقیت امیز در بیمارستان دکتر شریعتی یادآور زحمات آقای دکتر مهران خویی(متخصص بیپهوشی فعال و اندیشمند) و همچنین آقای دکتر شهریار عالی نژادبه عنوان هماهنگ کننده علمی در جراحی پیوند قلب است.

به غیر از افتخار اجرای اولین پیوند قلب موفق در ایران ، نامبرده در زمینه های اجرای اولین جراحی ROSS موفق در ایران در سال ۱۹۹۳م ، انجام اولین پیوند قلب هتروتوپیک در سال ۱۹۹۴م ، به کارگیری سیستم بطن چپ مصنوعی در سال ۲۰۰۵م و اولین پیوند قلب و ریه در سال ۱۹۹۶م و اجزای موفق سیستم حمایتی دو بطنی در سال ۲۰۰۶م نیز از جمله امتیازات وی محسوب می‌شود. لیست اولین جراحی‌های انجام شده در ایران توسط استاد در انتهای فصل گنجانده شده است.(ابداعات اختراعات) در حال حاضر دکتر ماندگار توجه ویژه ای در زمینه اجرای تحقیقات بروی سلول‌های بنیادی و کاربرد



آن در جراحی قلب دارد و در این رابطه با همکاری آقای دکتر محمد رضا محمد حسینی (فوق تخصص بیماریهای قلب و عروق) در بیمارستان شریعتی به توزیق انواع مختلف سلولهای بنیادی برای بیماران نیازمند اقدام نموده است که نتایج حاصله تحت بررسی است.

استاد در برپایی کنگره ها و همایش های قلب و جراحی

آن در ایران تلاش چشمگیری از خود نشان داده است و در

هفتمین کنگره جراحی قلب و نهمین همایش تازه های قلب

به عنوان دبیر جراحی قلب کنگره خدمت کرده استدر حال

حاضر وی علاوه بر بیمارستان دانشگاهی دکتر شریعتی

تهران ، در بیمارستان های خصوصی دی، کسری و لاله

به جراحی بیماران می پردازد.■